

نگرشی بر مدیریت روستایی چین با رویکرد حکمروایی

صامت فرهادی * / زهره زارع **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۹/۱۰/۰۸

چکیده

موضوع اندیشه اداری، دانش مدیریت و به خصوص هدایت و رهبری، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است. در دهه‌های اخیر، گذار از دولت به سوی فرایندهای نوین اداره نواحی روستایی یعنی حکمروایی در مناطق روستایی مطرح شده که مرز بین حکومت و جامعه مدنی محسوب می‌شود و به نحوی بر مشارکت حکومت‌ها، شرکت‌های خصوصی، شهروندان و اجتماعات محلی برای طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات اجتماعی و زیست‌محیطی دلالت دارد. حکمروایی تأکید بر افزایش دموکراسی و مشارکت شهروندان در کلیه امور مربوط به خود اعم از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا دارد که در آن شهروندان به گونه‌ای آگاهانه و فعال در تمامی امور دخالت دارند. بنابراین شاهد گذار این روندهای نوین به سطوح محلی و در نتیجه رسوخ آن به طور روزافزون به فضاهای روستایی شده است که این امر سبب مشارکت و فعالیت شهروندان روستایی در سرنوشت خود می‌شود. آشنایی با مبانی علمی جدید حاصل از بررسی تجربه‌های موفق سایر کشورها در زمینه مدیریت به طور عام و مدیریت روستایی به طور خاص سبب آشنایی با موفقیت‌ها، نقاط قوت و توانمندی‌های آن‌ها در زمینه مدیریت می‌شود تا بتوان از این موفقیت‌ها برای رسیدن به نتایج مطلوب سود جست. هدف مقاله حاضر مطالعه مدیریت روستایی در کشور چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی است که طی آن وضعیت مدیریت روستایی چین طی چهار مقطع زمانی و بر اساس رویدادهای مهم تاریخی که سبب تحولات سیاسی در این کشور گشته بررسی شده و در نهایت با شاخص‌های حکمروایی مورد سنجش و مطالعه قرار گرفته است. روش پژوهش مقاله حاضر از نوع مطالعات اسنادی با استفاده از شیوه تحلیل محتوی می‌باشد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که در سه مقطع زمانی اولیه مدیریت روستایی در کشور چین بر اصول سنتی حاکم بر جامعه استوار بوده است، ولی بعد از وقوع انقلاب دوم در چین، مدیریت روستایی و حکمروایی محلی در کشور چین دستاوردهای چشمگیری داشته و از جمله سبب شکوفایی روستاها از نظر اقتصادی - اجتماعی، افزایش مشارکت در امور فرهنگی روستاها، افزایش مشارکت مدنی و انتخابات آزاد در روستاهای چین شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت، مدیریت روستایی، حکمروایی روستایی، مشارکت، چین.

* پژوهشگر کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران.

** پژوهشگر کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

موضوع اندیشه اداری، دانش مدیریت و به خصوص هدایت و رهبری، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است (حقیقی، ۱۳۷۸: ۵)، بنابراین روستاها به عنوان اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، دارای سازمان اجتماعی و مدیریت بوده‌اند، لکن مدیریتی با مفهوم گسترده‌تر و متفاوت با آنچه امروزه تحت عنوان مدیریت مطرح است (طالب، ۱۳۷۶، ۵).

در کشورهای در حال توسعه، شناسایی جامع ساختار حکومت محلی یک مسئله کلیدی است (Zhang, et al., 2002: 3) زیرا به دلیل وجود جمعیت‌های آسیب‌پذیر در نواحی روستایی، که اغلب قادر به تأمین سرویس‌های دسترسی ارائه شده توسط سطح بالاتری از دولت نیستند، بنابراین تکیه بر جوامع محلی برای تأمین نیازهای اساسی مقوله‌ای بنیادی می‌باشد (World Bank: 2009). با وجود اهمیت این موضوع در کشورهای در حال توسعه، اغلب به دلیل فقدان اطلاعات دقیق آماری، مطالعات کمی به بررسی حاکمیت محلی پرداخته است (Zhang, et al., 2002: 5).

در دهه‌های اخیر، گذار از دولت به سوی فرایندهای نوین اداره نواحی روستایی یعنی حکمروایی^(۱) در مناطق روستایی مطرح شده که مرز بین حکومت و جامعه مدنی محسوب می‌شود و به نحوی بر مشارکت حکومت‌ها، شرکت‌های خصوصی، شهروندان و اجتماعات محلی برای طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات اجتماعی و زیست‌محیطی دلالت دارد. حکمروایی تأکید بر افزایش دموکراسی و مشارکت شهروندان در کلیه امور مربوط به خود اعم از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا دارد که در آن شهروندان به گونه‌ای آگاهانه و فعال در تمامی امور دخالت دارند (Cheshire et al., 2007).

در این مقاله تلاش شده ضمن بررسی سیر تاریخی حکومت‌های محلی در مناطق روستایی کشور چین، با رویکرد حکمروایی، تحلیلی از وضعیت فعلی مدیریت محلی چین ارائه و آن را با معیارها و شاخص‌های حکمروایی روستایی مورد سنجش قرار دهد. تحولات گسترده اخیر اداره امور روستا منصوب به نظام انتخاباتی در مناطق روستایی چین فرصت خوبی برای آزمون تجربی اثر حکومت دموکراتیک فراهم می‌کند تا بر اساس آن میزان و چگونگی دخالت جامعه روستایی در اداره امور مربوط به خود سنجیده شود (Mobo Gao, 2008:1). پیشینه تاریخی مدیریت روستایی در چین بیانگر آن است که قبل از دهه ۱۹۸۰ رهبران جامعه روستایی کشور چین از سوی دولت منصوب می‌شدند و در ادامه با انقلاب دوم در این کشور نظام انتخاب رهبران محلی متحول گشته و بر اساس نیازهای کشاورزان محلی تبدیل به نظام انتخاباتی شد (Zhang, et al., 2002: 5). بررسی این سابقه از یک سو حاوی نکات قابل توجه در روش‌های اداره روستاهاست و از سوی دیگر متأثر از تجربیات گذشته است که چالش‌های گوناگون را به‌ویژه برای استفاده در آینده روشن می‌سازد (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۳۶). مقاله حاضر بر سه سؤال زیر متکی است:

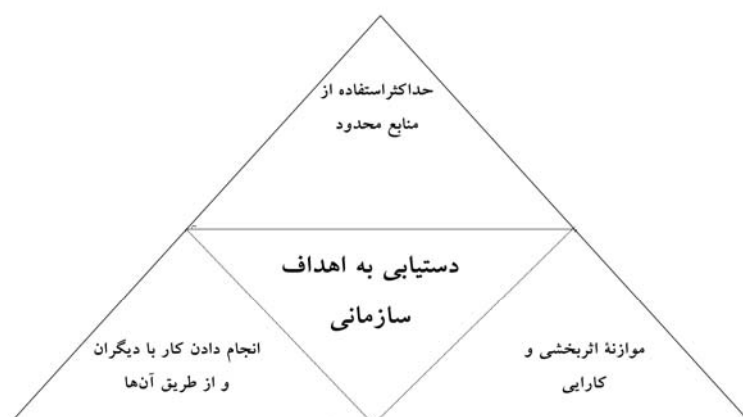
۱. مدیریت روستایی چین در آغاز بر چه اصولی متکی بوده و اکنون بر چه مبانی مدیریتی استوار است؟
۲. پارادایم‌های نوین مدیریت به معنای عام و مدیریت روستایی به معنای خاص تا چه حد در کشور چین استفاده شده و مهم‌ترین دستاوردهای آن در مدیریت توسعه روستایی چین چه بوده است؟
۳. دستاوردهای کشور چین در عرصه مدیریت روستایی چگونه می‌تواند در کشور ما مورد استفاده بهینه قرار گیرد؟

یکی از روش‌های علمی حل مسائل و مشکلات فرایند توسعه و مدیریت روستایی، بررسی تجارب موفق سایر کشورها و بهره‌گیری از آن می‌باشد. چین از جمله کشورهایی است که طی دهه‌های اخیر از تجارب موفق در حوزه توسعه و مدیریت روستایی برخوردار بوده است. از این رو در بررسی حاضر نیز با هدف تبیین مدیریت روستایی و جایگاه آن در ساختار حکومت، ضمن مطالعه مدیریت روستایی چین سعی شده با ارائه نقاط قوت و برجسته مدیریت روستایی چین، زمینه‌های بهره‌گیری از آن‌ها برای رفع برخی از مشکلات مدیریت روستایی کشور به منظور نیل به مدیریت علمی مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس در مقاله حاضر از دو تکنیک زیر برای مطالعه نظام‌مند مدیریت روستایی در کشور چین با استفاده از رویکرد حکمروایی استفاده شده است:

۱. مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای: در این مرحله انواع کتاب‌ها و اسناد در مورد مبانی نظری تحقیق و ویژگی‌ها، تاریخ سیاسی - حکومتی و مدیریت روستایی در کشور چین مورد مطالعه، بررسی و استفاده قرار گرفته است.
۲. توصیف و تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در این مرحله مطالعات اسنادی در قالب جداولی سازماندهی شده و سپس بر اساس آن و به روش مطالعه تطبیقی دوره‌های زمانی مدیریت روستایی در کشور چین بر اساس چهار دوره زمانی و بر اساس تغییرات قدرت و مناسبات سیاسی در این کشور آورده شده است. سپس در ادامه به روش توصیفی - تحلیلی بر اساس شاخص‌های حکمروایی یعنی مشارکت، امنیت، پاسخگو بودن، کارایی و اثربخشی و عدالت دوره‌های زمانی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

خانم مری پارکر فلات^(۲) در ابتدای کتاب پروژه مدیریت روستایی^(۳)، مدیریت را «هنر انجام دادن کارها به وسیله و از طریق دیگران» تعریف می‌کند (Pandey, 1: 2008). در این تعریف بر روی پنج موضوع کلیدی انجام دادن کار با دیگران و از طریق آن‌ها، دستیابی به اهداف سازمانی، موازنه اثربخشی و کارایی، استفاده بهینه از منابع محدود و نهایتاً سازگاری با محیط متغیر تأکید شده است (تصویر ۱). بنابراین می‌توان از تعریف نتیجه گرفت که مدیریت:

۱. «مدیریت یک فراگرد است؛
 ۲. مدیریت بر هدایت تشکلهای انسانی دلالت دارد؛
 ۳. مدیریت مؤثر بر تصمیم‌گیری و دستیابی به نتایج مطلوب مبتنی است؛
 ۴. مدیریت کارا، متضمن تخصص و صرف مدبرانه منابع است؛
 ۵. مدیریت بر فعالیت‌های هدف‌دار متکی است» (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۷).
- با توجه به اینکه ساختار اداره نواحی روستایی در بین کشورها با توجه به چارچوب سازمانی، ایدئولوژی سیاسی حاکم و سابقه تاریخی متفاوت است (Woods, 160: 2005)، مدیریت روستایی را می‌توان در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادها دانست. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی می‌باشند (رضوانی ۱۳۸۳: ۲۱۱). از سوی دیگر، مفهوم حکمروایی اولین بار توسط محققان شهری در دهه ۱۹۸۰ مطرح شده که معتقد بودند چگونه قدرت حکومت محلی منتخب از طریق مشارکت روزافزون بخش خصوصی در سیاستگذاری شهری و تأسیس



تصویر ۱. جنبه‌های کلیدی مدیریت.

منبع. کریتز، ۱۳۸۷: ۲۲.

آژانس‌های غیرمنتخب با مسئولیت حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی مورد مصالحه قرار می‌گیرد (Stoker, 2000). بنابراین تا مدت‌ها نظام حکمروایی محلی جدید تلویحاً پدیده‌ای شهری قلمداد می‌شد. با این وجود فرایندهای مشابهی نیز تقریباً بطور غیررسمی در نواحی روستایی عمل می‌کردند. تا پیش از اواسط دهه ۱۹۹۰، دورنمای حکمروایی روستایی پدیدار شد که نه تنها شامل مؤسسات موجود حکومت بلکه شامل تعداد زیادی از شراکت‌ها، ابتکارات اجتماع محلی، سازمان‌های بین حکومتی، اتحادیه‌های کسب‌وکار، و ترتیبات سرمایه‌گذاری مشترک بود. به‌عنوان مثال گروه‌های اقدام LEADER در اروپا و شراکت‌های مربوط به مدیریت آبخیزها در آمریکا از نخستین نمونه‌های این نظام بودند. به هر حال، تغییر از حکومت به حکمروایی، چیزی بیشتر از تغییر در ساختار نهادی می‌باشد. این تغییرات شامل تغییر در سبک، بیان و گفتمان حکومت است. دیگر این تصور وجود ندارد که دولت

دارای حق انحصاری حکمروایی می‌باشد بلکه کمابیش، در مورد مسئولیت‌های دولت و بخش‌های دیگر عدم قطعیت وجود دارد. در این رویکرد نقش دولت به‌عنوان فراهم کننده کالاهای عمومی نیست بلکه نقش یک تسهیل‌گر را برعهده دارد که جوامع محلی را قادر می‌سازد امور خود را اداره نمایند. به‌همین ترتیب، تصور بر این است که مشروعیت حکمروایی بیش از این که ناشی از قیومیت انتخاباتی حکومت سنتی باشد، با مشارکت مستقیم شهروندان و ذینفعان در اداره فعالیت‌ها حاصل می‌شود (Woods, 2005: 164). عده‌ای بر این باورند که حکمروایی واژه‌ای است که همراه با جهانی‌شدن مطرح شده است و ارتباط جهانی‌شدن با حکمروایی را در دو قسم می‌دانند: نخست، حاکمیت فزاینده سازمان‌های غیردولتی (اعم از مؤسسات چندجانبه و یا غیردولتی و یا شرکت‌ها و سازمان‌ها) و دوم، حکمروایی حسن تعبیری برای اعمال قدرت بخش خصوصی (اعمال از طریق بازار) (Peine

روستایی^(۶) بوده و هم اینکه الزام مهمی برای شکل‌گیری و اجرای سیاست روستایی، ساماندهی جوامع، اقتصاد، محیط‌های روستایی و توزیع قدرت در نواحی روستایی بوده است (Woods, 2005: 160). دوره‌های قابل ذکر این گذر را می‌توان به صورت زیر ارایه نمود:

۱. از پدرسالاری تا دولت‌گرایی: از دیدگاه تاریخی توزیع قدرت در جوامع روستایی با کنترل منابع و به‌ویژه کنترل زمین صورت می‌گرفته است. ثروت حاصل از زمین این امکان را برای زمینداران فراهم ساخت تا دیگر منابع کمیاب تولید مثل وسایل حمل‌ونقل را خریداری نموده و فرصت مشارکت در خدمات عمومی و حکومت را نیز به‌دست گیرند. منزل اجتماعی، فرصت و ثروت دسترسی به باشگاه‌های انحصاری، احزاب خصوصی^(۷)، شبکه‌های اجتماعی را امکان‌پذیر ساخت و بدین ترتیب زدوبند سیاسی و پدرسالاری شکل گرفت. نخبگان تحت تأثیر پدرسالاری، مسئولیت انجام بسیاری از نقش‌های معمول حکومت از طریق مجاری خصوصی خود را پذیرفتند. بنابراین نقش دولت، از جمله حکومت محلی محدود شد. تا اواسط قرن بیستم، حفظ پدرسالاری بیشتر مشکل بود. نخبگان اشرافی در اروپا هم از نظر تعداد و هم از نظر ثروت رو به کاهش گذاشتند و شروع به کناره‌گیری از نقش خود در رهبری سیاسی محلی نمودند و در نتیجه مقدمات شکل‌گیری دولت‌گرایی فراهم شد (Woods: 1997).

۲. از دولت‌گرایی تا حکمروایی: دوره جدید، با تضاد اساسی همراه شد. از یک طرف، گسترش حکومت محلی منتخب، به‌عنوان مردم‌سالاری شدن جامعه روستایی بعد از اشراف‌سالاری دوره پدرسالاری تلقی شد و به ایجاد مبنایی که از طریق آن نواحی روستایی را کنترل نمود، کمک کرد. با این وجود، از طرف دیگر،

(et al., 2005: 19). عده‌ای نیز حکمروایی و توسعه پایدار را دو اصطلاح کلیدی در مباحث سیاسی می‌دانند زیرا این اصطلاحات برتری خاصی را به‌عنوان تفکر نوین علمی پست‌مدرن در به چالش کشاندن فلسفه مدرنیته دارند و مضرات مدرنیته نظیر تولیدات ژنتیکی و نظارت این علوم بر تولیدات کشاورزی را کاسته و در جهت پایداری حرکت می‌کنند (Levidow, 2005: 98).

از نظر گریگوری و همکاران حکمروایی یعنی گفتمان تغییر مکان از دولت (هماهنگی از طریق سلسله‌مراتب) به حکمروایی (هماهنگی از طریق شبکه) (Gregory et al., 2009: 311-312). موضوع حکمروایی با هدف دستیابی به توسعه پایدار انسانی مطرح شده که در آن بیش از هر چیز بر مشارکت تأکید می‌شود. همچنین حکمروایی شامل طیف وسیعی از مفاهیمی مانند توسعه پایدار، توسعه روستایی - شهری و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با رویکرد مشارکتی و شفافیت و به موازات ویژگی‌های غالب استراتژی‌های اجرای خط‌مشی و برنامه‌ریزی‌ها است (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۵). بنابراین حکمروایی شامل گستره وسیعی از مشارکت‌ها و همکاری میان مردم، دولت و بخش خصوصی است (Muritzen, 2002: 50). به عبارتی دیگر حکمروایی، مدل انعطاف‌پذیر تصمیم‌گیری توسط بازیگران متنوع (مانند NGOها، سازمان‌های تجاری، بخش دولتی و مانند آن) جامعه در مسائل عمومی است (John, 2007: 9).

در زمینه مراحل شکل‌گیری حکمروایی روستایی نیز باید به این نکته توجه داشت که ساختار اداری حکومت محلی در دهه‌های اخیر در اکثر کشورها دچار تحول شده‌است. حکومت روستایی از دوره پدرسالاری^(۸) در اوایل قرن بیستم، به دوره دولت‌گرا^(۹) در اواسط قرن بیستم و به دوره جدید حکمروایی در آستانه قرن بیست‌ویکم تغییر یافته است. این گذار هم بازتاب بخشی از بازساخت

این دوره ایستا^(۸) شامل میزان تمرکز بی سابقه بود و نیاز به مداخله دولت در نواحی روستایی را برای حمایت از فعالیت اقتصادی سرمایه‌داری منعکس می‌نمود و شامل اقداماتی برای تضمین بازار و قیمت محصولات کشاورزی، کاهش ریسک با دادن یارانه، سرمایه‌گذاری و نوسازی کشاورزی، تضمین عرضه ثابت انرژی و منابع از طریق صنایع ملی شده و حفظ اراضی کشاورزی از طریق کنترل توسعه کاربری اراضی، ارتقای استفاده تفریحی با ساماندهی استفاده‌های تفریحی از نواحی روستایی و ساماندهی مهاجرت جمعیت به کمک سرمایه‌گذاری در توسعه روستایی بود. برای دستیابی به این اهداف، مراکز دولتی ایجاد شدند که در فضای روستایی همراه با ساختار حکومت محلی منتخب، اما اغلب بدون مشارکت دموکراتیک مردم محلی فعالیت می‌کردند. دوره ایستا، با ترکیب فشارهای داخل و خارج فضای روستایی به پایان رسید. در سطح اول، بازساخت حکومت روستایی، بخشی از فرایند گسترده‌تر بازساخت دولت بوده است که از دیدگاه‌های اقتصادی و ایدئولوژیکی متأثر شد و انتخاب دولت‌های «راست جدید» در دهه ۱۹۸۰ که متعهد به ایدئولوژی «دولت حداقل»^(۹)، توانمندسازی مردم، شهروندی فعال و به‌کارگیری دانش کسب و کار بودند. در سطح دوم، فرایندهای بازساخت اجتماعی و اقتصادی در نواحی روستایی نیز، اصول ساختار ایستا را تضعیف کرد و دلیل منطقی برای اصلاحات به‌وجود آورد. این روند از طریق پنج تحول کلیدی دنبال گردید (Woods and Goodwin: 2003):

– کاهش فعالیت دولت در حکومت روستایی از جمله عدم مداخله در بخش‌هایی مانند کشاورزی، حمل و نقل، خصوصی‌سازی آژانس‌ها و شرکت‌های دولتی، استفاده از سازمان‌های بخش خصوصی و داوطلبانه در امور حکومت محلی؛

– انتقال مسئولیت‌ها از دولت به «شهروندان فعال»^(۱۰) و مشارکت اجتماعات محلی از طریق کار شراکتی در مقیاس محلی؛

– هماهنگی بیشتر در سیاست روستایی، از جمله ادغام بخش‌ها و آژانس‌های حکومت و شکل‌گیری شراکت بین اجزا و بخش‌های مختلف حکومت؛

– جایگزینی مؤسسات تخصصی روستایی با مؤسسات منطقه‌ای که نواحی روستایی و شهری را در بر می‌گیرد؛

– اصلاحات حکومت محلی منتخب، از جمله تغییرات قدرت، سرمایه و قلمرو سرزمینی شوراهای محلی.

در مجموع، این تغییرات گذار از سیستم حکومت روستایی^(۱۱)، به حکمروایی روستایی^(۱۲)، را نشان می‌دهد. اغلب، حکمروایی شکلی خاص از هماهنگی درون سازمانی نه سلسله‌مراتبی و نه بازاری بلکه شبکه‌ای که اصطلاحاً «خود سازماندهی»^(۱۳) نامیده می‌شود. جوزف^(۱۴) حکمروایی را «خود سازماندهی روابط درون سازمانی» می‌نامد در حالی که رودز^(۱۵) حکمروایی را «شبکه‌های درون سازمانی خود سازمانده»^(۱۶) تعریف و برخی از ویژگی‌های حکمروایی را در قالب نکات ذیل مطرح می‌کند:

– وابستگی متقابل بین سازمان‌ها: حکمروایی گسترده‌تر از حکومت است و بازیگران غیر دولتی را نیز پوشش می‌دهد. تغییر مرزهای دولتی به مرزهای بین بخشی، خصوصی و داوطلبانه که با تضعیف مرزهای دولتی حاصل می‌شود؛

– ادامه تعامل بین اعضای شبکه: به دلیل نیاز به مذاکره و تبادل منابع به اشتراک گذاشتن مقاصد؛

– تعاملات بازی مانند: ریشه در اعتماد و تنظیم توسط قوانین مذاکرات بازی به‌وسیله شرکت‌کنندگان در شبکه؛

و ۷۵۷ میلیون نفر از جمعیت که برابر ۵۸/۲۴٪ جمعیت کل این کشور می‌باشد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. نرخ رشد جمعیت در این کشور معادل ۱۷/۷ در هزار (رشد سالیانه ۱۷ میلیون نفری) می‌باشد (China Statistical Yearbook, 2009). بنابراین چین هنوز یک کشور اغلب روستایی است.

جدول شماره ۱. جمعیت کشور چین به تفکیک نقاط شهری و روستایی.

سال	جمعیت کل (ده هزار نفر)	جمعیت شهری (ده هزار نفر)	نسبت جمعیت شهری	جمعیت روستایی (ده هزار نفر)	نسبت جمعیت روستایی
۲۰۰۱	۱۲۷۶۲۷	۴۸۰۶۴	۳۷/۶۶	۷۹۵۶۳	۶۲/۳۴
۲۰۰۲	۱۲۸۴۵۳	۵۰۲۱۲	۳۹/۰۹	۷۸۲۴۱	۶۰/۹۱
۲۰۰۳	۱۲۹۲۲۷	۵۲۲۱۲	۴۰/۵۳	۷۶۸۵۱	۵۹/۴۷
۲۰۰۴	۱۲۹۹۸۸	۵۴۲۸۳۰۰۰	۴۱/۷۶	۷۵۷۰۵	۵۸/۲۴

Source: China Statistical Yearbook, 2009

طبق قانون اساسی جمهوری خلق چین، تقسیمات اداری این کشور در سه سطح ایالت، شهرستان و شهرک می‌باشد. اما در سطح اجرایی به دو دسته تقسیم می‌شود به نحوی که استان زیرمجموعه ایالت و روستا زیرمجموعه شهرک است.

حکومت‌های محلی در چین دارای سیستم سلسله‌مراتبی با مشخصه رهبری در سطوح مختلف هستند که سطوح پایین‌تر، زیرمجموعه سطح بالاتر هستند. حکومت‌های استانی، حکومت‌های شهری را هدایت کرده و حکومت‌های شهر، حکومت‌های بخش را هدایت می‌کنند و حکومت‌های روستایی یا شهرک نیز توسط حکومت‌های بخش هدایت می‌شوند. این بدان معنی است که حکومت‌های سطح پایین‌تر باید رهبری، دستورات و سرپرستی حکومت‌های سطح بالا را گردن نهاده و و وظایف آن‌ها را تکمیل می‌کنند.

و درجه قابل توجه خودمختاری از دولت: شبکه‌ها پاسخگوی دولت نیستند بلکه خود سازمانده هستند (Gregory et al., 2009: 311-312).

به‌طور کلی مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های حکمروایی به‌قرار زیر می‌باشند:

– مشارکت^(۱۷): بر اساس این اصل، تمامی شهروندان (مرد و زن) بایستی مستقیماً یا از طریق نهادهای میانجی که نشان‌دهنده علایق آن‌ها باشد در فرایند تصمیم‌گیری شرکت داشته باشند. چنین مشارکتی بر مبنای آزادی انجمن‌ها صورت می‌گیرد؛

– پاسخگو بودن^(۱۸): این ویژگی ارتباط نزدیکی با اصل قانونمداری دارد. به بیان دیگر اگر صاحبان قدرت در مقابل عموم مردم پاسخگو باشند مشروعیت پیدا می‌کنند؛

– عدالت^(۱۹): اصل عدالت بر فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای عموم شهروندان جهت بهبود رفاه آنان تأکید دارد بدون اینکه تبعیضی میان آن‌ها ایجاد شود؛

– کارایی و اثربخشی^(۲۰): این اصل از اصول حکمروایی، تضمین اعطای خدمات به عموم مردم با مصرف بهینه و عاقلانه منابع در دسترس را به دنبال دارد؛

– امنیت^(۲۱): امنیت حکمروایی نمایانگر وجود سیستم‌های امنیتی برای شهروندان، بهداشت و ایمنی محیط‌زیست است. همچنین در بر گیرنده ضمانت‌های حل اختلاف از طریق توسعه و پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب محلی می‌باشد (UN-HABITAT, 2004).

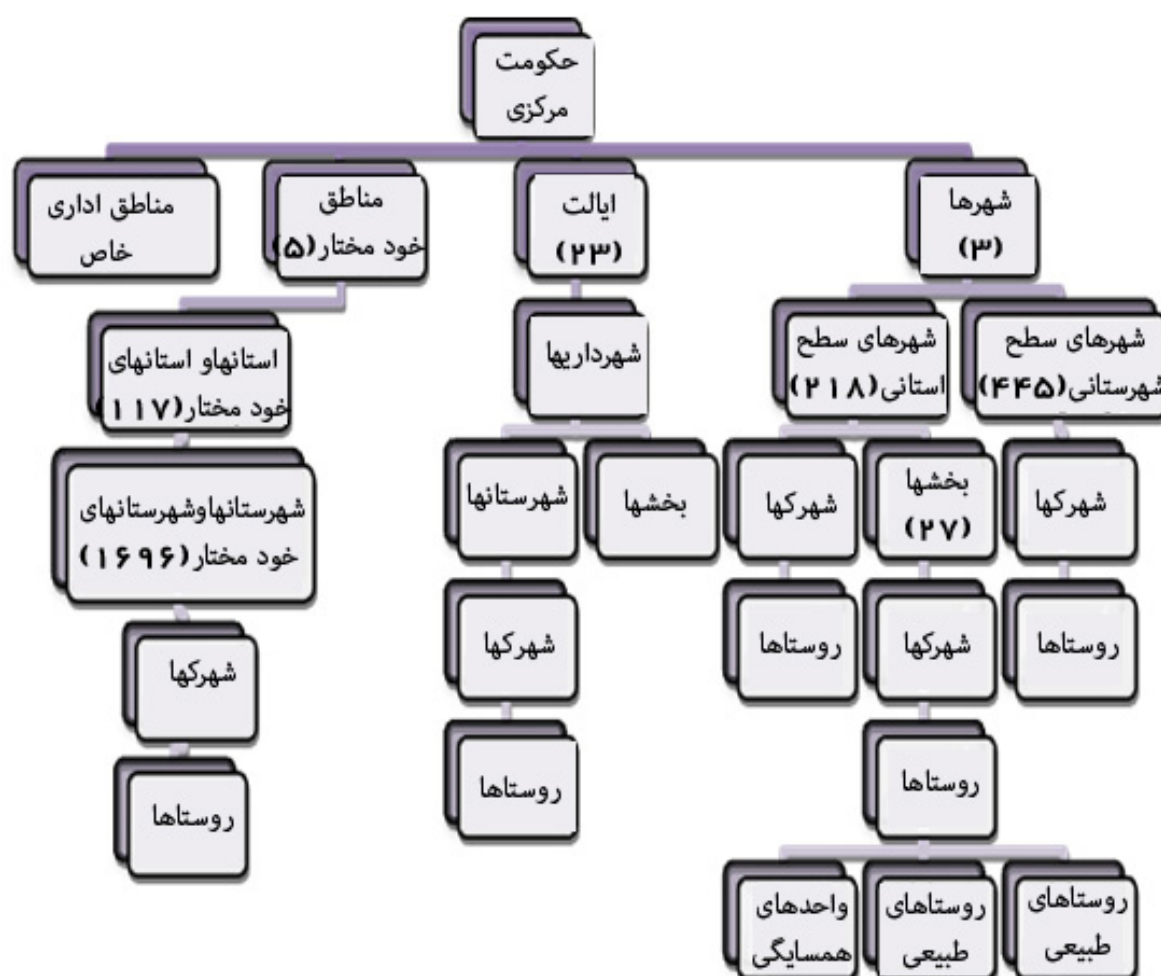
یافته‌های تحقیق

مدیریت روستایی در چین

در سال ۲۰۰۴ جمعیت کل کشور چین ۱,۲۹۹,۸۸۰,۰۰۰ نفر بود که ۵۴۲ میلیون نفر یعنی ۴۱/۷۶٪ در نقاط شهری

هم‌زمان نیز حکومت‌های محلی در سطوح مختلف، نقش مکمل سیستم قدرت سیاسی را ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که وظایف و قدرت‌ها را به‌طور مستقل و تحت مدیریت حکومت‌های سطح بالاتر انجام می‌دهند (قالیباف ۱۳۸۷: ۲۰۰).

برای بررسی مدیریت روستایی کشور چین طی چهار دوره زمانی متفاوت که از نظر تاریخی و تحولات سیاسی در کشور انقلابی ایجاد شده استفاده شده و برای تفهیم کامل مطالب در قالب جدول، شرح کاملی از ویژگی‌های مدیریت روستایی کشور چین در بازه‌های زمانی مختلف ارائه شده است (جداول ۲ و ۳).



شکل ۱. سلسله مراتب اداری چین.

Source: www.unscap.org

جدول ۲. شرح ویژگی‌ها و مدیریت روستایی در چین (دوره اول و دوم).

شرح	امپراطوری چین (۲۲۱ ق.م تا ۱۹۱۲ م)	چین (۱۹۱۲ تا ۱۹۴۹)
مدیر اجرایی و شرایط تحصیلی	رهبر موروثی - سواد خواندن و نوشتن	رهبر موروثی با پذیرش نقش جدید - سواد خواندن و نوشتن
سازمان اجرایی	دانشی	دفتر مدیریت روستایی
محدوده جغرافیایی فعالیت	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)	کان (روستا) (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)
مقام عزل و نصب مدیر اجرایی	شوراهای مسئول اداره موروثی	بخشدار (کیو)
نهادهای تصمیم‌گیرنده	رهبر موروثی و شوراهای مسئول اداره موروثی	اداره صلاحیت، نخبگان شهری، بخشدار و رهبر موروثی با پذیرش وظایف و نقش جدید مدیریتی
ترکیب اعضا	۱۲ کرسی مربوط به شوراهای مسئول اداره موروثی و یک کرسی رهبر موروثی	۱ کرسی بخشدار، ۲ کرسی نخبگان شهری و ۱ کرسی رهبر موروثی
وظایف نهاد تصمیم‌گیر	تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای اداره روستا و نظارت بر امور، نظارت بر اجرا و اعمال رهبر موروثی، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها، انتخاب فرد ذی‌صلاح به سمت رهبر موروثی، آموزش افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها، بررسی و شناخت مسائل روستا، انتخاب فرد ذی‌صلاح به سمت رهبر موروثی	تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای اداره روستا و نظارت بر امور، نظارت بر اجرا و اعمال رهبر موروثی، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها، انتخاب فرد ذی‌صلاح به سمت رهبر موروثی، آموزش افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها، جمع‌آوری مالیات، حفظ نظم و امنیت، احداث راه‌ها، پل‌ها و سیستم آبیاری و نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی
منابع مالی	طراحی سیستم «لیجیا» برای اخذ مالیات از مردم روستا برای تأمین منابع مالی روستا اعانات و هدایای مردم روستا	مالیات بر زمین
وظایف نهاد متولی مدیریت روستایی	حمایت از آموزش و پرورش، حل اختلافات، افزایش بودجه امدادی، دفاع از روستا، حفظ نظم و امنیت، احداث راه‌ها، پل‌ها و سیستم آبیاری، ساخت مدارس خیریه، سازماندهی بچه‌های سرراهی، ایجاد گورستان‌ها، تأسیس و نحوه استقرار معابد و زیارتگاه‌ها و نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی	حل اختلافات، حفظ نظم و امنیت، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، دخالت در عمران روستایی با توجه به خواست مراجع بالاتر
مدت فعالیت مدیر اجرایی	موروثی ولی با نظارت شورای مسئول	موروثی با تأیید بخشداری و نخبگان شهری
نظارت حکومت مرکزی	صرفاً برای جمع‌آوری مالیات و سربازگیری	دخالت در کلیه زمینه‌ها بویژه با گماشتن نخبگان شهری در روستا، تنظیم سیستم سلسله‌مراتبی برای دخالت بیشتر در روستا، مالیات بر زمین

Sources: Hsiao, 2000, 12-13; Kipnis, 2008, 2-5; Wang, 2006, 9-1; 0 Kuhn, 2002, 100-132; Duara, 1988, 251; Wang, 2006, 12; Zheng, 2000

جدول ۳. شرح ویژگی‌های مدیریت روستایی در چین (دوره سوم و چهارم).

شرح	چین (۱۹۴۹م تا ۱۹۷۸م)	چین (۱۹۷۸م تا کنون)
مدیر اجرایی و شرایط تحصیلی	کمون‌ها	شانتون لیندا - دیپلم به علاوه ۵ تا ۶ سال تجربه کاری تأیید شده توسط رئیس شهرستان و شهرک
سازمان اجرایی	دفتر کمون	بنگونسز
محدوده جغرافیایی فعالیت	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)
مقام عزل و نصب مدیر اجرایی	کمون‌های سطح بخش	رئیس شهرک‌ها و شهرستان‌ها
نهاد تصمیم‌گیرنده	دبیر حزب، کمون‌های بخش و کمون‌های روستا	رئیس شهرک‌ها و شهرستان‌ها و اهالی روستا
ترکیب اعضا	کمون‌های بخش و کمون‌های روستا	۷ کرسی اعضای کمیته روستایی، ۱ کرسی رئیس حزب شهرک و یک کرسی نماینده شهرستان
وظایف نهاد تصمیم‌گیر	تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای اداره روستا و نظارت بر امور شامل قوانین کشاورزی اشتراکی، نظارت بر اجرا و اعمال کمون‌های سطح روستا، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها، انتخاب، جمع‌آوری مالیات، حفظ نظم و امنیت، احداث راه‌ها، پل‌ها و سیستم آبیاری، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، نظارت بر احقاق حقوق مردم و تعهدات مردم در قبال حکومت مرکزی	تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای اداره روستا تحت عنوان قانون اساسی دهکده، نظارت بر اجرا و اعمال کمیته‌های روستایی، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها، انتخاب، حفظ نظم و امنیت، احداث راه‌ها، پل‌ها و سیستم آبیاری، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، نظارت بر احقاق حقوق مردم و تعهدات مردم در قبال کمیته‌های روستایی
منابع مالی	مالیات بر زمین	دولت (چون در سیستم مالیاتی چین از روستاییان و کشاورزان مالیاتی اخذ نمی‌شود)
وظایف نهاد مدیریت روستایی	حل اختلافات، حفظ نظم و امنیت، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، دخالت در عمران روستایی با توجه به خواست مراجع بالاتر، تصمیم‌گیری درباب نحوه کشت و نوع کشت،	حل اختلافات، حفظ نظم و امنیت، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، تشویق مردم به مشارکت در امور روستایی، صرف دقیق و نظارت بر هزینه‌های روستا و کمک‌های دولتی
مدت فعالیت مدیر اجرایی	بسته به نظرات حزب	دوره سه ساله با امکان انتخاب مجدد بدون محدودیت
نظارت حکومت مرکزی	دخالت در کلیه زمینه‌ها به‌ویژه با گماشتن نخبگان شهری در روستا، تنظیم سیستم سلسله‌مراتبی برای دخالت بیشتر در روستا، مالیات بر زمین، در دست گرفتن کلیه امور روستا با تصویب قانون روستاهای اداری در نواحی روستاهای طبیعی	محسوس و تاحدودی مستقیم (شهرک‌ها و شهرستان‌ها)

Sources: Kuhn 2002, 137; Wang, 2006, 22; O'Brien, 2000; Xu, 2005, 3; Choate, 2000, 3-18; Saich, 2001, 269

تطبیق دوره‌های مدیریت روستایی چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی

با توجه به مطالب پیش گفته و اطلاعات تلخیص شده در جداول قبلی، مجموعه‌ای از شاخص‌های حکمروایی روستایی شامل مشارکت، پاسخگویی، عدالت، کارایی و

اثر بخشی و امنیت، به کار گرفته شد تا بتوان تبیین نسبتاً دقیق و جامعی از مدیریت روستایی در دو کشور ارائه کرد (جداول ۴ و ۵). با استفاده از این شاخص‌ها برای دستیابی به مدیریت روستایی کارا و مطلوب پیشنهاداتی نیز قابل مطرح است.

جدول ۴. مدیریت روستایی در چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی (دوره اول و دوم).

دوره‌های زمانی		دوره اول و دوم
شاخص‌های حکمروایی		چین (۱۹۱۲ تا ۱۹۴۹) / چین (۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹)
مشارکت	در کشور چین به دلیل نبود مالکین مانند ایران کلیه امور به دست خود روستاییان بوده و در تمامی امور روستایی با همدیگر همکاری و مشارکت داشته و در توسعه امور روستایی، کشاورزی، امنیتی و سایر امور مربوط به روستا همکاری و تبادل نظر می‌کردند و ایجاد سیستم‌هایی نظیر بانوجیا برای جمع‌آوری مالیات و پلیس روستایی جهت ایجاد امنیت نمونه‌های بارزی از مشارکت در این کشور در طول این دوره زمانی می‌باشد که در برخی موارد مشارکت در چین بیش از ایران بوده است.	در این مقطع دولت نوین چین در ساختار روستاها شروع به دخالت کرد و سبب برچیده شدن نظام کهن روستایی شد و رهبران روستایی نیز با تغییر جایگاه سنتی سعی در پذیرش نقش جدید خود داشتند و به مرور مشارکت مردمی در این بازه زمانی در امور اداره روستایی کاهش یافت و دولت سعی در به دست گرفتن کلیه امور داشت ولی مشارکت مردم روستایی نظیر گذشته ادامه داشت.
	در جامعه چین به دلیل نبود نظام ارباب - رعیتی مدیران روستا از بین خود مردم انتخاب می‌شدند و از شروط انتخابی مردم پاسخگویی به مردم روستا در تمامی زمین‌ها بوده و مصداق بارز آن نیز وجود ارگان‌های مرتبط با مردم یعنی اعضای شورایی رهبری جامعه روستایی به عنوان یک ارگان قوی در کنار مدیر روستا بوده است.	در نظام نوین رهبری روستایی نهاد پاسخگو به مردم همان رهبران سنتی بودند که با اندکی تغییر سعی در پذیرش نقش نوین خود داشتند ولی در عمل شورای رهبری در برابر اعمال و تصمیمات گروه رهبری پاسخگو بود.
عدالت	در جامعه روستایی چین به دلیل وجود شوراهای مردمی در صحنه رهبری مدیریت روستایی، عدالت نسبت به ایران بیشتر رعایت می‌شده است زیرا شوراهای رهبری به نوعی متشکل از تمامی اقشار جامعه روستایی بودند و در نتیجه رعایت حقوق تمامی اقشار مورد توجه بوده است.	در زمینه شاخص عدالت نظام سنتی به اصطلاح بازسازی شده مدیریت روستایی تقریباً ضعیف عمل کرده است و در توزیع عادلانه منابع و نبود تبعیض اجتماعی اقتصادی به دلیل از دست دادن جایگاه سنتی و تحول در دوره جدید به علت ورود به جایگاه نوین اقتدار دوره پیشین را نداشته است
	در چین کارایی این شاخص متعادل بوده است زیرا به دلیل وجود مشارکت بالای جامعه روستایی در کارایی و تقسیم منابع بین اقشار روستایی عدالت نیز صورت گرفته است.	کارایی و اثر بخشی نظام رهبری نوین روستایی چین با توجه به داشتن دوره تحول چندان اثرگذار نشده و تأثیر کمتری نسبت به دوره قبلی در این شاخص داشته است.
امنیت	به دلیل توجه به امنیت روستایی نهادی با عنوان پلیس شکل گرفت که امنیت جوامع روستایی را تأمین می‌کرد و در نوع خود منحصر به فرد بود و در زمینه امنیت بهداشتی نیز اصول طب سنتی دایر بود و در حفظ محیط زیست نیز بسیار کوشا بودند و زمین را مورد احترام قرار می‌دادند.	در کشور چین نیز با وجود دخالت شدید دولت ساختار امنیتی پلیس پیشین از بین رفت ولی نهاد خاصی جانشین آن نشد.

Sources: Hsiao, 2000, 12-13; Kipnis, 2008, 2-5; Wang, 2006, 9-1; O Kuhn, 2002, 100-132; Duara, 1988, 251; Wang, 2006, 12; Zheng, 2000

جدول ۵. مدیریت روستایی در چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی (دوره سوم و چهارم).

دوره‌های زمانی		دوره سوم و چهارم
شاخص‌های حکمروایی		چین (۱۹۷۸ تا کنون)
مشارکت	در این بازه زمانی با تسلط کمون‌ها بر تمامی ابعاد زندگی روستاییان مشارکت آن‌ها در امور کشاورزی اجباری بود ولی به دلیل عدم رغبت کشاورزان به این کمون‌ها و تسلط مطلق دولت و نخبگان شهری بر مردم روستا در عمل مشارکت کاهش یافت.	در این مقطع با تغییر در اندازه و مدیریت کمون‌ها ساختار اداری نواحی بر اساس دموکراسی شکل گرفت که مردم در تمامی زمینه‌ها دخالت و با یکدیگر همکاری دارند شاخص مشارکت به دلایل بی‌شماری مانند شرکت در تصمیم‌سازی تا ارزیابی سبب مشارکت روستاییان در اداره امور روستا شده است سطح دموکراسی به حدی در این سال‌ها بالا رفته که با کشورهای غربی قابل مقایسه است و در نهایت دموکراسی سبب ایجاد مشارکت بیشتر شده و روحیه همکاری را تقویت کرده است.
پاسخگو بودن	در اصلاحات دولت مدرن چین سال ۱۹۴۹ نهاد پاسخگو به جامعه روستایی کمون‌ها بودند که کلیه منابع را در دست داشتند و کلیه تصمیمات را در اداره امور روستایی خود گرفته و بر کلیه امور زندگی روستاییان تسلط داشتند.	کلیه مسئولان مرتبط با اداره نواحی در مقابل امور انجام داده به روستاییان پاسخگو می‌باشند و خود روستاییان نیز در این شاخص با مسئولین همکاری دارند تا کمبودها رفع گردد.
عدالت	در نظام نوین با نظارت کمون‌ها، ساکنین روستایی به شک برابر از منابع سود برده و حاکمیت بر مبنای ایدئولوژی کمونیستی بوده بنابراین عدالت بر مبنای این ایدئولوژی رعایت می‌شده است.	عدالت در سطح بالایی در روستاهای کنونی کشور چین اجرا می‌شود زیرا به دلیل نظام نوین مالیاتی که کشاورزان را از مالیات معاف می‌کند و باز توزیع خدمات و صنایع در نواحی روستایی عدالت در تمامی سطوح بالا رفته و فاصله درآمدی بین شهر و روستا نیز به شدت کاهش یافته است.
کارایی و اثربخشی	کارایی و اثربخشی این برهه زمانی با توجه به ساختار نوین حکومتی و عدم رضایت جامعه روستایی از این ساختار با کاهش مواجه شد.	کارایی و اثربخشی در انقلاب دوم چین بسیار مناسب بوده و خدمات به شکل عادلانه‌ای در میان مردم روستایی توزیع شده است و رشد سلامت، بهداشت و سایر امور رفاهی مردم مؤید این مطلب است.
امنیت	امنیت جامعه روستایی در این بازه زمانی به عهده کمون‌ها بود که به دلیل توجه به کشاورزی نظارت امنیتی شدیدی بر روستاها داشتند.	امنیت جامعه روستایی در این بازه مقطع با دولت می‌باشد البته خود روستاییان نیز در تأمین امنیت نقش دارند و در حفظ منابع آب و خاک نیز دولت دخالت دارد تا منابع دچار مشکل فراوانی و یا فرسایش نگردند.

Sources: Kuhn 2002, 137; Wang, 2006, 22; O'Brien, 2000; Xu, 2005, 3; Choate, 2000, 3-18; Saich, 2001, 269

نتیجه

بررسی نظام مدیریت روستایی کشور چین مشخص می‌سازد که انسجام و اثربخشی سیاست‌های روستایی به دلیل اینکه سازمان و چارچوب حکمروایی کشور بخشی است، چالش برانگیز می‌باشد. این مشکلات در سطوح پایین‌تر حکومت گسترده می‌شوند. ظهور تضاد منافع در میان سطوح مختلف سازمان‌های بین بخشی و درون ساختار دولت سبب افزایش این مشکلات می‌شود (OECD, 2009). ولی با گذر زمان از انقلاب دوم چین یعنی بعد از سال ۱۹۷۸ میلادی هر سال با تغییر نهادهای

حکومتی مدیریت در نواحی روستایی کشور چین بهتر شده و نهادهای مدیریتی با یکپارچگی بیشتری برای توسعه روستایی گام بر می‌دارند. با بررسی سیر تاریخی مدیریت روستایی در کشور چین و تطبیق آن با شاخص‌های حکمروایی می‌توان بیان داشت به دلیل نزدیکی ساختارهای سیاسی در سه مقطع زمانی اول، ساختارهای مدیریت بسیار شبیه به هم و بر اساس نظام سستی حاکم بر جامعه بوده و ساختارهای مدیریتی به عرف محلی وابسته بوده است، ولی تفاوت‌ها در دوره

12. Self-organization
13. Jessop
14. Rhodes
15. Self-organizing
16. Participation
17. Accountability
18. Equity
19. Efficiency and effectiveness
20. Security
21. Exclusivity

منابع

۱. حقیقی، محمدعلی؛ تئوری‌های مدیریت، نقش مهر، تهران، ۱۳۷۸.
۲. رضوانی، محمدرضا؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران، قومس، ۱۳۸۳.
۳. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید؛ «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار»، فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۰، شماره ۲، ۱۳۸۶.
۴. شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله؛ «حکمرانی خوب و نقش دولت». فرهنگ مدیریت، شماره ۴، ۱۳۸۲.
۵. طالب، مهدی؛ مدیریت روستایی در ایران. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۶. قالیباف، محمداقبر؛ حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۷. قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید؛ «بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران». پژوهش‌های جغرافیایی. سال ۳۶، شماره ۵۰، ۱۳۸۳.
۸. کرینتز، رابرت؛ اصول مدیریت. ترجمه ونوس، داور و دیگران، تهران، مهربان نشر، ۱۳۸۷.

9. Allen C. Choate (2007), Local Governance in China, An Assessment of Villagers Committees: University of Sydney press.
10. Andrew Kipnis (2008), Neoliberal Governmentality, Socialist Legacy, or Technologies of Governing? : University of Sydney Press.
11. Bill Edwards, Mark Goodwin, Simon Pemberton and Michael Woods (2000),

چهارم یعنی انقلاب دوم چین آغاز شده است که در سال‌های اخیر و با توجه به شاخص‌های حکمروایی می‌توان استنباط کرد که کشور چین در مدیریت روستایی، افزایش مشارکت و کاهش فقر روستایی موفق‌تر بوده و سیاست‌های اعمال شده توسط کشور چین مؤثر بوده است. بنابراین کشور چین با وسعت نگرش بالایی، پارادایم نوین مدیریتی یعنی حکمروایی روستایی را برای اداره نواحی روستایی به کار برده است که نتیجه آن در تغییر نظام اداری روستایی از نظامی سنتی و استبدادی به نظامی دموکراسی و مردم‌سالارانه بوده است به نحوی که انتخابات روستایی چین از حیث آزادی توجه رسانه‌های غربی را جلب کرده و به عنوان آزادترین انتخابات دنیا به آن می‌نگرند. بنابراین می‌توان برای بهبود مدیریت روستایی کنونی کشور از رویکردهای حکمروایی و سیاست‌ها و برنامه‌های این کشور سود جست و در کاهش مشکلات از تجربه‌های موفق این کشور بهره ببریم تا با به کار بستن این تجربه‌ها و رویکردهای نوین اداره روستایی مشکلات مدیریت روستایی مرتفع گشته و مهم‌ترین فاکتور توسعه روستایی یعنی مدیریت نسبت به گذشته استوارتر گشته و در شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی مثمر ثمر واقع شود.

یادداشت‌ها

1. Governance
2. Documentary research
3. Mary Parker Follet
4. Rural project management
5. Paternalist
6. Statist
7. Rural restructuring
8. Minimal state
9. Active citizen
10. Rural government
11. Rural governance

25. Mobo GAO, (2008), Local Governance, Community, and Civil Society in Contemporary China. University of Adelaide, Rural Panels.
26. Mouvitzen, P.E. and Svara. J.A. (2002), Leadership at apeak. Politicans and adminstrators in Western Local Governments. Pittsburgh, PA: University of Pittsburgh Press
27. O'Brien, Kevin J, (2001), Villagers, Elections, and Citizenship in Contemporary China, Modern China. 27(4): 407-435, University of Sydney press.
28. OECD (2009), OECD Rural Policy Reviews: China, ISBN.
29. Stoker, G (ed.), (2000), the New Politics of British Local Governance. London: Macmillan.
30. Tony Saich (2001), Governance and Politics of China. Published Rudy Andeweg and Galen A. Irwin.
31. UN-HABITAT (2006), the Urban Governance Index. A Tool of the Quality of Urban, Governance, Beirut.
32. Woods, Michael (1997), Discourses of Power and Ruralit,. Local politics in Somerset in the 20th century. Political Geography, 16, 435-478.
33. Woods, Michael (2005), Rural Geography. SAGE Publication Ltd
34. Woods, M. and Goodwin, M (2003), Applling the Ruarl: governance and policy in rural areas, in P. Cloke (ed.), Country Vision. London: Pearson, pp. 245-262.
35. World Bank. (2009). World Development Report 2009. Attacking Poverty. Washington, D.C.: World Bank.
36. Xiaobo Zhang, Shenggen Fan, Linxiu Zhang, and Jikun Huang (2002), Local Governance and Public Goods Provision in Rural China. CCAP.
37. China Statistical Yearbook (2009).
38. [http://en.wikipedia.org/wiki/Province_\(China\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Province_(China)) (2009).
39. www.unscap.org (2009).
- Partnership Working in Rural Regeneration Governance and Empowerment? The Policy Press.
12. Danny MacKinnon (2002), Rural Governance and Local Involvement: Assessing State Community Relations in the Scottish Highlands. Department of Geography and Environment, University of Aberdeen, Elphinstone Road, Aberdeen AB24 3UF, UK, Journal of Rural Studies 18 (2002) 307-324.
13. Derek Gregory, Ron Johnston, Geraldine Pratt, Michael J.Watts and SarahWhatmore (2009), the dictionary of Human Geography 5th Edition. A John Wiley & Sons, Ltd., Publication.
14. Devendra Prasad Pandey (2008), Rural Project Management. Ltd., Publishers
15. Duara, Prasenjit (1988), Culture, Power, and the State: Rural North China, 1900-1942: Stanford University Press.
16. Guo Zhenglin (2002), The Study of the Structure of Clan Leadership in Chinese Rural Areas: University of Sydney press.
17. Emelie, Peine and Philip, McMichael (2005), Globalization and Global Governance. Agricultural Governance: Routledge.
18. Haiqing Xu (2005). Environmental Policy and Rural Industrial Development in China, Department of Geography, Concordia University.
19. Hsiao, Kung-Chuan (2000). Rural China: Imperial Control in the Nineteenth Century Seattle: University of Washington Press.
20. John, P. (2007). Local Governance in Western Europe: London, Sage.
21. Jianxun Wang (2006). Village Governance in Chinese History, spring.
22. Kuhn (2002). Origins of the Modern Chinese State. Stanford: Stanford University Press.
23. Les Levidow (2005), Governing conflicts over sustainability Agricultural biotechnology in Europe. Agricultural Governance: Routledge.
24. Lynda Cheshire, Vaughan Higgins and Geoffrey Lawrence, (2007), Rural Governance. Routledge.